

انزواگرایی یا انزواگریزی: تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس اصل «نه شرقی، نه غربی»^۱

عنایت‌الله یزدانی^۱

انقلاب اسلامی به منظور ترسیم راهبردهای آینده‌ی نظام اسلامی برای ارتباط با دیگر دولت‌ها و حضور در روابط بین‌الملل، خط‌مشی «نه شرقی، نه غربی» را مطرح نمود و جمهوری اسلامی ایران این راهبرد را سرلوحه‌ی کار خود در روابط دیپلماتیک قرار داد. طرح این راهبرد از سوی رهبری نظام بود، چنانچه حضرت امام می‌فرمایند: از همان بدو انقلاب که شالوده‌ی انقلاب ریخته می‌شد مسیر، مسیر انبیا بود. مسیر راه مستقیم «نه شرقی، نه غربی» و «جمهوری اسلامی» بود و تاکنون هم ملت به همان مسیر است^(۱) هم چنین تعداد کم مراودات دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل در دوره‌ی آغازین نظام به دلیل شرایط اول انقلاب که به قول نگارنده‌ی کتاب «مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی» به حکم عقل، کشوری که به لحاظ بروز انقلاب خط‌مشی و مبانی جدیدی را پی‌ریخته است و تغییرات شگرفی در اصول سیاست خارجی خود کرده،

۱. عنایت‌الله یزدانی، عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان است.

توان لازم برای فعالیت هم زمان در دو جبهه‌ی داخلی و خارجی را ندارد.^(۲) علاوه بر آن برداشت‌های مختلف برخی از صاحب‌نظران داخلی و مهم‌تر از آن عدم فهم و درک صحیح بسیاری از اندیشمندان و سیاست‌گذاران حوزه‌ی روابط بین‌الملل از عملکرد نظام جمهوری اسلامی و راهبرد نه شرقی نه غربی سبب گردیده تا سیاست خارجی ایران را سیاستی مبتنی بر انزوای طلبی تلقی نمایند.

در اینجا از باب نمونه سه‌گونه برداشت مختلف از مفهوم «نه شرقی، نه غربی» از سوی صاحب‌نظران داخلی را بیان می‌کنیم. نگارنده‌ی کتاب «اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» در یک جمع‌بندی از راهبرد «نه شرقی، نه غربی» و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره‌ی دوم (۱۹۸۸-۱۹۸۰) می‌نویسد: به طور کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره به ظاهر با توجه به مفاهیم نظریه‌ی بازی‌ها، با استفاده‌ی بیشتر از سازوکار ارتباط با ملت‌ها و رقیق کردن ارتباط با دولت‌ها سیاست انفعال از محیط بازی را در پیش می‌گیرد. وی در پایان اذعان می‌دارد: به عبارت صریح‌تر ایران توسط کشورهای غربی در انزوای سیاسی - اقتصادی قرار می‌گیرد.^(۳) این در حالی است که حضرت امام (ره) در همین به اصطلاح دوران دوم، این‌گونه برداشت‌ها را نادرست دانسته می‌فرمایند: ابرقدرت‌ها و آمریکا خیال می‌کردند که ایران به واسطه‌ی انقلابی که کرده‌است و می‌خواهد استقلال و آزادی به دست آورد، به ناچار منزوی خواهد شد. وقتی که منزوی شد زندگی نمی‌تواند بکند که دیدند نشد و ایران روابطش با خارجی‌ها زیادتر گردید.^(۴)

جلال‌الدین فارسی نیز راهبرد «نه شرقی، نه غربی» را نه شیوه‌ی برای تقابل با غرب و شرق، بلکه به عنوان یک روش زندگی معرفی می‌نماید و می‌نویسد: «نه شرقی، نه غربی» ویژگی جمهوری اسلامی ایران را مشخص می‌سازد نه سیاست خارجی آن را و نشان دهنده‌ی خصومت با غرب و شرق نیست، بلکه بیانگر این است که روش و شیوه‌ی ما در سیاست خارجی نه به صورت روش شرقی‌ها است و نه غربی‌ها.^(۵)

منوچهر محمدی برخلاف برداشت جلال‌الدین فارسی اعتقاد دارد که اصل «نه شرقی، نه غربی» را می‌توان به عنوان یک چارچوب نظری در سیاست خارجی به کار برد، که با اتخاذ

سیاستی تهاجمی، فعال و پویا علیه استکبار شرق و غرب مبارزه می‌کند و این به معنای نفی سلطه است نه قطع رابطه.^(۶) نظیر همین برداشت را بیژن ایزدی دارد و اذعان می‌دارد که نه شرقی و نه غربی به معنای قطع وابستگی است و نه قطع ارتباط.^(۷) مجموعه‌ی این عوامل سبب گردید تا از سوی تحلیلگران غربی چنین برداشت شود که جمهوری اسلامی ایران سیاست انزوا را پیش گرفته و قصد دارد تمام روابط دیپلماتیک خود را با جهان خارج قطع کند، که البته چنین برداشتی، یکسری آثار و پی‌آمدهایی در روابط کشورها با ایران به دنبال داشته است.

آیا حقیقتاً جمهوری اسلامی ایران انزواطلب است؟

در این قسمت ما در پی یافتن پاسخی مناسب برای این سؤال هستیم. در مقدمه باید گفت که بنا به دلایلی که بیان خواهد شد، طرح «نه شرقی، نه غربی» بنا بر تعبیر حضرت امام (ره) هرگز به مفهوم بستن مرزها به روی کشورها نیست، بلکه صرفاً قرائتی دیگر از مفهوم استقلال در ادبیات روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران است. چنانچه حضرت امام (ره) به این مطلب تصریح دارند: ما نه با آمریکا کار داریم (نه غربی) نه با شوروی (نه شرقی) و ما خودمان هستیم (استقلال) ما روابط بین‌ارباب و رعیت را (وابستگی) نمی‌خواهیم.^(۸) نه شرقی و نه غربی به این معناست که جمهوری اسلامی ایران در برقراری روابط بین‌الملل و حضور در صحنه‌ی بین‌الملل به عنوان یک بازیگر، نه خط مشی وابستگی به ابرقدرت شرق را پیش خواهد گرفت و نه سیاست تعهد و وابستگی به ابرقدرت غرب را دنبال می‌کند، به عبارت روشن‌تر، مشی جمهوری اسلامی در ارتباط با دیگر بازیگران، عدم پذیرش سلطه است. بنابراین «نه شرقی و نه غربی» نفی وابستگی است زیرا وابستگی جلوه‌ی از عدم استقلال است.

مأخذ و منبع این راهبرد در متون دینی، قاعده‌ی فقهی نفی سبیل است. مفهوم حقوقی و فقهی این قاعده این است که به حکم آیه‌ی: «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً»^(۹) خداوند راه هرگونه نفوذ و تسلط حکومت‌های بیگانه (بازیگران قدرتمند) و آحاد

بیگانگان (کفار) را بر کشورهای اسلامی و مسلمانان مسدود کرده‌است.^(۱۰) و این به آن معنا است که هر نوع اقدام و برقراری هرگونه ارتباط یا عقد قراردادی میان دولت اسلامی و سایر بازیگران که موجبات سلطه و استیلای کشوری بر سرزمین اسلامی را فراهم آورد، حرام و ممنوع است و این معنا به روشنی در فتاوی‌ای فقها ملحوظ است.^۱

بنابراین در پاسخ به سؤال مذکور، باید گفت که هرگز جمهوری اسلامی ایران سیاست انزوال و انزوا را در پیش نگرفته و نخواهد گرفت و برای این پاسخ دلایل متعددی قابل ارایه است که به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.

الف) قرآن: ترغیب به ارتباط

در آیات ۹-۷ سوره‌ی ممتحنه، خداوند مسلمین و دولت اسلامی را نه تنها از برقراری رابطه با دیگران منع نکرده بلکه با ذکر دو استثنا جامعه‌ی اسلامی را ترغیب به ایجاد رابطه با دیگران کرده و می‌فرماید: «عسی الله ان يجعل، بینکم و بین الذین عادیتم منهم موده... لاینهکم الله عن الذین لم یقاتلکم فی الدین و لم یخرجکم من دیارکم ان تبرهّم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین... انما ینهکم الله عن الذین قاتلکم فی الدین و اخرجوکم من دیارکم و ظاهروا علی اخراجکم ان تولوهم و من یتولهم فاولئک هم الظالمون» یعنی چه بسا خداوند میان شما و کسانی از آنان که دشمن می‌داشتید، دوستی (رابطه) برقرار کند... خدا شما را از دوستی (رابطه) آنان که با شما در دین، قتال و دشمنی نکرده‌اند و شما را از دیارتان بیرون نرانده‌اند، نهی نمی‌کند، تا از آنها بیزاری جویند، بلکه با آنها به عدالت و انصاف رفتار کنید که خدا مردم با عدل و داد را بسیار دولت می‌دارد و تنها شما را از دوستی کسانی نهی می‌کند که در دین با شما قتال کرده و از وطنتان بیرون کردند و بر بیرون کردن شما همدست شدند، آنها را

۱. حضرت امام فتاوی‌ی قریب به این مضمون دارند که: قراردادی که دولت اسلامی با دیگر دولت‌ها می‌بندد، اگر موجب سلطه‌ی آن دولت بر کشور اسلامی شود چه سلطه‌ی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا نظامی آن قرارداد حرام و بر دولت اسلامی است که درصدد ابطال آن قرارداد برآید و در صورتی که دولت اسلامی اقدامی نکرد، بر مردم است که دولت را بر ابطال این قرارداد وادار نمایند.

دوست نگیرید و کسانی که از شما با آنان دوستی (رابطه) و یاری کنند، ایشان به حقیقت ظالم و ستمکارانند. (۱۱)

از مطالعه‌ی فوق چنین بر می‌آید که ایجاد رابطه‌ی مودت با بیگانگان امری است که مسلمانان در روابط بین‌الملل خود می‌توانند از آن بهره بگیرند. به عبارت دیگر ابراز مودت و رابطه با سایر ملت‌ها به موجب مقررات بین‌الملل اسلامی، امری ضروری است به شرط آن که این رابطه منجر به پی‌آمدهای منفی و زیانبار نشود. بنابراین از آنجا که طبق اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، نظامی مبتنی بر احکام و شرایع مکتب اسلامی است، پس ضرورت ارتباط با دیگر واحدهای سیاسی (جز موارد استثنا) و دوری از هرگونه انزوگرایی از سوی سیاست‌گذاران حوزه‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، واقعیتی غیرقابل انکار است.

ب) دیدگاه امام خمینی (ره): نگرشی ضد انزوا و ارتباط جو

تمایل رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران به دنبال کردن اهداف جهانی اسلام و انجام وظایف دولت اسلامی در قبال مسلمانان و حتی غیرمسلمانان به طور کلی با سیاست انزواطلبی منافات دارد. چنانچه حضرت امام می‌فرمایند: ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامیمان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش و نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه‌ی جهانخواران بوده و هستیم. (۱۲) در جای دیگر اعلام می‌کنند: ما طرفدار مظلوم هستیم. هرکسی در هر قطبی که مظلوم باشد، ما طرفدار آنها هستیم. (۱۳)

حضرت امام با درک صحیح و واقع‌بینانه از نظام بین‌الملل و ضرورت ارتباط جمهوری اسلامی ایران و با طرح این اندیشه که نظام بین‌الملل همانند یک شهر است که محله‌های مختلف آن با هم ارتباط دارند، نتیجه می‌گیرند که ما نه تنها باید منزل نباشیم، بلکه باید همان گونه که پیامبر با ارسال سفیران روابط برقرار می‌کرد، عمل کنیم و با کشورها رابطه داشته باشیم.

در برداشتی دقیق‌تر، حضرت امام گوشه‌نشینی و سیاست انزوال را خلاف عقل و شرع

معرفی نموده، ضمن تأکید بر رابطه با همه دولت‌ها (به جز چند کشور محدود)، بستن مرزها به روی کشورها و قطع روابط دیپلماتیک با آنها را به معنای فنا و هلاکت و مدفون شدن کشور تلقی می‌کنند و طراحان سیاست انزوا را مورد انتقاد قرار داده، می‌فرمایند: این معنا که گاهی اهل غرض و جهال آن را بیان می‌کنند یا نمی‌فهمند یا غرض دارند زیرا تا انسان جاهل یا مخالف با اصل نظام نباشد، نمی‌تواند بگوید که یک نظام باید از دنیا منعزل باشد. (۱۴)

حضرت امام با رد صریح سیاست انزوا، تمایل جمهوری اسلامی ایران به دوستی با ملت‌ها و دولت‌ها و گسترش ارتباط با آنها را اعلام می‌نماید و می‌فرماید: ما با هیچ ملتی بدنیستیم، ما به حسب طبع اولیه می‌خواهیم با همه‌ی دولت‌ها دوست باشیم. می‌خواهیم که روابط حسنه با احترام متقابل نسبت به هم داشته باشیم و اگر چنانچه ما احتیاج به یک چیز داشته باشیم و آنها احتیاج به یک چیز داشته باشند، تبادل کنیم «مگر این که دولت‌هایی باشند که با ما خلاف رفتار کنند.» (۱۵)

چنین دیدگاهی عیناً در تقریرات مقام معظم رهبری نیز به چشم می‌خورد. زیرا معظم‌له مکرراً بیان داشته‌اند که خط مشی کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ادامه‌ی همان راهی است که امام خمینی (ره) پیموده‌اند. لذا ایشان نیز توسعه و تحکیم روابط حسنه با دیگر بازیگران را مورد تأکید قرار داده و شدیداً با انزوای جمهوری اسلامی ایران، مخالف هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ج) قانون اساسی: جهت‌گیری غیرانزواگرا

یکی دیگر از منابع و مصادر سیاست‌گذاری خارجی، قانون اساسی است. با توجه به این که در کلیه‌ی نظام‌های سیاسی و حکومتی جهان، قانون اساسی مهم‌ترین سند و منبع سیاسی نظام است، چارچوب، کلیات و حدود و ثغور سیاست خارجی هر کشور، در همین سند تعیین می‌گردد. در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از منابع بسیار مهم در سیاست خارجی، قانون اساسی آن می‌باشد. (۱۶)

مطالعه و بررسی کلی قانون اساسی و اصول مرتبط با سیاست خارجی، ما را به این

مطلب رهنمود می‌کند که جهت‌گیری قانون اساسی به سوی برقراری، توسعه و تحکیم روابط با بازیگران بین‌الملل و به خصوص با کشورهای اسلامی و جهان سوم می‌باشد و هرگز در این سند، صحبتی از قطع روابط یا تقلیل ارتباط - جز مواردی که با اصول دینی تعارض دارد - به میان نیامده و در اصل یکصد و سی و دوم تصریح گردیده است: روابط صلح‌آمیز با دولت‌های غیرمحارب.

توجه به مقولاتی چون تعهد برادرانه نسبت به مسلمانان و دفاع از حقوق آنان، حمایت از مستضعفان جهان و مبارزات آنان علیه استکبار و تأمین سعادت انسان در کل جامعه‌ی بشری تماماً نمایانگر جهت‌گیری ضدانزوای سیاست خارجی جمهوری اسلامی و گرایش به سوی دیگر ملت - کشورها است. در عین این که اصولی با جهت‌گیری علیه نظام سلطه و نفی وابستگی و تعهد در قبال بازیگران قدر نظام بین‌الملل در این سند پیش‌بینی شده است. این اصول برگرفته از همان راهبرد «نه شرقی، نه غربی» می‌باشد. برون‌دادهای این راهبرد در قانون اساسی عبارتند از:

۱. نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری (اصل ۲ بند ج)
۲. عدم تعهد در قبال قدرت‌های سلطه‌گر (اصل ۴۳ - بند ۸)
۳. جلوگیری از سلطه‌ی اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور (اصل ۴۳ - بند ۸)
۴. استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (جامعه) (اصل ۳ بند ۱۱ و اصل ۲ بند ج)
۵. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب (اصل ۳ - بند ۵)
۶. نفی و اجتناب از پیمان‌هایی که موجب سلطه‌ی بیگانه بر منابع طبیعی، اقتصادی، فرهنگی و ارتش گردد. (اصل ۱۵۳)

علاوه بر قانون اساسی، در قوانین عادی مربوط به وظایف برون مرزی جمهوری اسلامی ایران، مصوب مجلس شورای اسلامی نیز دستگاه دیپلماسی کشور مکلف شده است به گسترش روابط با دیگر کشورها پردازد. در ماده‌ی ۲ قانون وظایف وزارت خارجه مصوب ۱۳۶۴/۱/۲۰ یکی از تکالیف این وزارتخانه، بررسی، برقراری، تنظیم و حفظ و توسعه روابط

دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران با سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قید شده‌است. هم‌چنین ایجاد و اداره‌ی نمایندگی‌های سیاسی (سفارتخانه) و کنسولی در کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، توجه و مراقبت دایم و اقدامات لازم و به موقع نسبت به وقایع بین‌المللی و منطقه‌یی و فراهم آوردن موجبات و زمینه‌های شرکت و عضویت دستگاه‌های دولتی در مجامع، سازمان‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی. (۱۷)

در ماده‌ی ۴ قانون مذکور، وزارت امور خارجه مکلف شده‌است تا موجبات حمایت از مبارزه‌ی حق‌طلبانه‌ی مستضعفان به خصوص مسلمانان علیه استکبار را فراهم آورد. هم‌چنین در ماده‌ی ۵ آن تصریح شده‌است که وزارت امور خارجه مکلف می‌باشد به منظور ایجاد زمینه‌های لازم برای عقد قراردادها، عهدنامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و مقاوله‌نامه‌های دولت جمهوری اسلامی با کشورهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی (و منطقه‌یی) اقدامات لازم را به عمل آورد. (۱۸)

بنابراین مشاهده می‌شود که در این قانون تلویحاً سیاست انزوا و انزوا مردود اعلام شده و بنابر ضرورت‌های داخلی، منطقه‌یی و بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران مکلف به ارتباط با کشورها و سازمان‌ها و ارگان‌های بین‌المللی و منطقه‌یی شده‌است که نحوه و چگونگی برقراری این ارتباط را قانون معین کرده‌است.

د) عملکرد نظام: تلاشی برای حضور فعالانه

عملکرد دو دهه‌ی گذشته‌ی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی نیز گواه دیگری بر سیاست ارتباط طلبانه‌ی نظام و نفی سیاست انزوا می‌باشد. افزایش تعداد نمایندگی‌های ایران از ۸۹ نمایندگی در گذشته به ۱۴۰ نمایندگی در حال حاضر (۱۹)، عضویت گسترده و فعال ایران در مجامع، محافل و سازمان‌ها و ارگان‌های بین‌المللی و منطقه‌یی، شرکت فعال و مؤثر ایران در حل بحران‌های منطقه‌یی مثل بحران تاجیکستان، بحران قره‌باغ، بحران در حوزه‌ی بالکان، بحران جنوب لبنان، بحران افغانستان و غیره که مورد تحسین مسئولین سازمان ملل و رهبران برخی کشورها می‌باشد. (۲۰) هم‌چنین حضور فعال و کارآمد جمهوری اسلامی ایران در جنبش

عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی، اوپک و اکو و تلاش در جهت افزایش میزان تأثیر و فعالیت این ارگان‌ها و تحول در خط مشی و سیاست‌های آنها، مشارکت در همایش‌های بین‌المللی و منطقه‌یی و اقدام برای برقراری این گونه همایش‌ها در ایران، انعقاد قراردادها پروتکل‌های متعدد در زمینه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای و سازمان‌ها و غیره بیانگر این واقعیت است که جمهوری اسلامی ایران هرگز نخواستند در درون مرزهای بسته به حیات سیاسی خود ادامه دهد و همواره تلاش نموده تا حیات سیاسی خود را به حیات سیاسی نظام بین‌الملل، پیوند دهد.

کدام راهبرد؟

حال که با ذکر دلایل مزبور به این نتیجه رسیدیم که جمهوری اسلامی ایران هرگز سیاست انزوا و انعزال را در روابط خارجی خود دنبال نکرده‌است، سؤال این است که جمهوری اسلامی، کدام یک از راهبردهای دیگر در روابط بین‌الملل را پیش گرفته است؟ کی‌جی‌هالستی سمت‌گیری‌ها و نقش‌های ملی در سیاست خارجی کشورها را به سه دسته تقسیم می‌کند که عبارتند از: انزواگرایی، راهبردهای عدم تعهد و ائتلاف‌های دیپلماتیک و اتحادهای نظامی.^(۲۱) عبدالعلی قوام نیز راهبردها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دولت‌ها را شامل راهبردهای بی‌طرفی، عدم تعهد، انزواطلبی و اتحاد و تعهد معرفی می‌کند.^(۲۲)

ارزیابی عملکرد بیست ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران در بعد سیاست خارجی نشان

می‌دهد که تکیه‌ی اصلی نظام بر سه راهبرد کلی بوده‌است که عبارتند از:

الف) راهبرد عدم تعهد

ب) راهبرد اتحاد و ائتلاف

پ) راهبرد مشارکت فعال

الف) راهبرد عدم تعهد: نفی وابستگی

راهبرد عدم تعهد به معنای نداشتن هیچ‌گونه تعهد در قبال قدرت‌ها و نپذیرفتن سلطه‌ی آنها و نداشتن وابستگی است. این راهبرد جمهوری اسلامی ایران در امتداد همان سیاست نه شرقی، نه غربی است که این سیاست خود نیز مبتنی بر قاعده‌ی نفی سبیل می‌باشد. به عبارت روشن‌تر فراگرد عدم تعهد جلوه‌ی است از شعار نه شرقی، نه غربی که طبق آن جمهوری اسلامی برای خود هویتی مستقل از نفوذ قدرت‌ها و ابر قدرت‌های جهان قایل است و در چارچوب این اصول، خود را غیر متعهد می‌داند. (۲۳)

با توجه به چنین خط مشی و براساس آنچه که در اصل یکصد و پنجاه و دوم قانون اساسی آمد، یعنی عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر. ایران از سال ۱۹۷۹ به عضویت جنبش عدم تعهد درآمد (۲۴) و از آن به بعد همواره تلاش ایران در جهت فعال نمودن و تقویت نقش جنبش عدم تعهد در نظام بین‌الملل بوده است. زیرا سیاست‌گذاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اعتقاد دارند که جنبش عدم تعهد، هر زمان باید آمادگی لازم را برای ایفای نقش فعالی‌تر و پیشگام در حل بحران‌های بین‌المللی، از جمله ایجاد تشکیلات مؤثر و ضروری برای تأمین این هدف فراهم نماید. ضرورت این اقدام‌ها زمانی آشکار می‌شود که جریان‌هایی ضدانسانی هم چون تجاوز، نسل‌کشی، تنفر نژادی، جنایات جنگی، تهدید و استفاده از زور، اشغال، توسعه‌طلبی و نقض حاکمیت استقلال سیاسی و تمامیت ارضی کشورها اصول بنیادین جنبش (عدم تعهد) را به استهزا می‌گیرد. (۲۵)

رییس جمهور پیشین ایران، آقای هاشمی رفسنجانی در دهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد اظهار نمود: کشورهای عضو جنبش (عدم تعهد) باید همکاری فی‌مابین را برای یافتن راه حلی به منظور مقابله با ابزارهای مختلف سلطه از جمله تهدیدهای نظامی و سیاسی، سوء استفاده از شورای امنیت و حق و تو، تحریم‌های اقتصادی و چشمان نامحرم ماهواره‌ی جاسوسی که همواره تمامی فضای ما را زیر نظر دارند، گسترش دهند... حل چالش‌ها و مشکلاتی که در برابر جامعه‌ی بین‌الملل و مجموعه‌ی عدم تعهد قرارداد با همکاری گسترده‌ی اعضای جنبش که نزدیک به دو سوم جامعه‌ی جهانی را تشکیل می‌دهند، میسر است. (۲۶)

ب) راهبرد اتحاد و ائتلاف: به سوی همکاری و مشارکت

راهبرد اتحاد و ائتلاف به طور گسترده مورد استفاده‌ی دستگاه دیپلماسی ایران قرار گرفته است. منظور از این راهبرد این است که دولت یا گروهی از دولت‌ها از طریق اتحاد و ائتلاف تعهدی را در قبال یک‌دیگر می‌پذیرند.^(۲۷) در حقیقت در چنین فرآیندی کشور جهت نیل به اهداف اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی سعی می‌نماید با دیگر بازیگران نظام بین‌الملل، همکاری و همراهی داشته باشد.

چنانچه قبلاً اشاره شد راهبرد «نه شرقی، نه غربی» هرگز به معنای قطع روابط با دیگران نیست. بنابراین جمهوری اسلامی ایران در عین اصرار و پایداری بر حفظ این سیاست و استقلال نظام، با عنایت به مسأله‌ی منافع ملی، نیازهای گوناگون داخلی، شرایط خاص جغرافیای سیاسی، فشار و تهدیدهای آمریکا و امارش و ضرورت‌های امنیتی و رشد و توسعه‌ی راهکار اتحاد و ائتلاف را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داد. به دلیل وجود منافع و منابع اقتصادی، ایدئولوژیکی و امنیتی مشترک، جمهوری اسلامی به سوی افزایش همکاری‌های منطقه‌یی و فرامنطقه‌یی و بین‌المللی پیش می‌رود و همواره این سیاست را دنبال نموده که ارتباط خود را با کشورهای منطقه اعم از حوزه‌ی خلیج فارس، دریای خزر و شرق آسیا و دولت‌های فرامنطقه‌یی در قالب همکاری‌های سیاسی، تجاری، فرهنگی، اقتصادی، علمی، نفتی و امنیتی گسترش دهد.

اهمیت این موضوع با پایان یافتن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بیشتر می‌شود، به خصوص با طرح سیاست «آشتی منطقه‌یی» جمهوری اسلامی لزوم بهره‌گیری از راهبرد اتحاد و ائتلاف بیش از پیش می‌شود. به همین خاطر به اعتقاد نگارنده‌ی کتاب اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره‌ی سوم سیاست خارجی ایران (۱۹۸۸)، سازوکار غلیظ کردن ارتباط دولت ایران با دولت‌های منطقه جریان می‌یابد و این دوره، زمان عادی‌سازی سیاست خارجی (ایران) براساس ترتیبات منطقه‌یی و الزامات منافع ملی است. در نتیجه‌ی این سازوکار، سطح دیپلماسی و همکاری با کشورهای منطقه، چنان است که یکی از دیپلمات‌های سعودی، رفتار خارجی دولت ایران را بسیار دوستانه و برادرانه توصیف

می‌کند. (۲۸)

جمهوری اسلامی ایران با هدف و انگیزه‌های خاصی، راهبرد اتحاد و ائتلاف را در فرآیند سیاست خارجی خود به کار گرفته است که با مطالعه‌ی حوزه و عملکرد سیاست خارجی می‌توان به مهم‌ترین انگیزه‌ها به قرار زیر اشاره نمود؛

۱. الزامات امنیتی: وجود تهدیدها و خطرات مشترکی هم چون خطر استکبار جهانی و هم چنین ضرورت تأمین امنیت به وسیله‌ی کشورهای همسایه (نظیر کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس و دریای خزر) و غیر همسایه و لزوم داشتن مرزها و منطقه‌ی امن، همگی موجب شد تا جمهوری اسلامی به سمت همکاری‌های امنیتی - دفاعی با کشورها جهت‌گیری نماید.

باید توجه داشت که برای نظام جمهوری اسلامی، امنیت در دو زمینه مهم و مؤثر است. یکی تأمین امنیت ملی، پذیرفتن این واقعیت که ایران کشوری است دارای همسایه‌های متنوع با منافع متضاد. بنابراین فوریت‌های سیاست خارجی براساس تأمین امنیت ملی امری بسیار ضروری است. (۲۹) و در این راه تلاش دستگاه دیپلماسی ایران گرایش به سوی همگرایی و کاهش تنش‌جات فی مابین است (به خصوص با پایان یافتن جنگ تحمیلی).

نویسنده‌ی مقاله‌ی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، معتقد است راه‌های مقابله با تهدیدات آمریکا علیه ایران و تضمین امنیت نظام جمهوری اسلامی با عنایت به سیاست‌ها و دیپلماسی آمریکا، ایجاد ارتباط دوستانه و همه‌جانبه با تمام همسایگان باید در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گیرد. دیگر این که گسترش هرچه بیشتر رابطه با کشورها اسلامی، هم چنین گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی با کشورهای روسیه، چین و کره شمالی، به علاوه رابطه با کشورهای کوچک صنعتی اروپا، گسترش رابطه با کشورهای جهان سوم به خصوص آنها که توان تأمین برخی نیازهای ایران را دارند (هند، برزیل و آرژانتین)، هم چنین تقویت جنبش‌های اسلامی در تمام جهان به ویژه در لبنان و فلسطین. (۳۰)

زمینه‌ی دوم امنیت منطقه‌ی است، مقام معظم رهبری درخصوص این فراگرد اظهار داشتند: امنیت خلیج فارس بر عهده‌ی کشورهای منطقه است و استکبار جهانی حق دخالت در

این منطقه را ندارد.^(۳۱) براساس چنین بینشی وزیر خارجه‌ی سابق ایران (آقای ولایتی) در دیدار با رییس جمهور ازبکستان اعلام نمود که ایران برای امنیت و ثبات در منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز اهمیت فوق‌العاده قایل است و تلاش‌های دیپلماتیک ایران را برای رفع تشنجات و استقرار آرامش و امنیت در افغانستان، تاجیکستان و آذربایجان دلیلی بر این امر بیان کرد.^(۳۲)

بنابراین ملاحظه می‌شود که جمهوری اسلامی ایران به موازات امنیت ملی برای امنیت منطقه‌یی نیز ارزش و اعتبار بالایی قایل است و لذا همواره منادی همکاری امنیتی- دفاعی کشورها در منطقه بوده است و لازمه‌ی ثبات، آرامش و امنیت منطقه را حفظ روند همکاری کشورهای آن می‌داند و این موضوع به وضوح در تقریرات و بیانات مسئولین نظام مشهود است. رییس جمهور پیشین ایران (آقای هاشمی رفسنجانی) در دیدار با شرکت‌کنندگان در همایش افق‌های همکاری در خلیج فارس و دریای عمان اظهار می‌نماید: ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه‌ی خلیج فارس به نفع هیچ‌کس نیست و کشورهای این منطقه باید با متانت، حسن نیت و همکاری صمیمانه و برادارانه بهانه‌ی حضور و دخالت را از دیگران بگیرند.^(۳۳) هم‌چنین در بیانیه‌ی وزارت امور خارجه آمده است که: وزارت امور خارجه ضمن تقبیح هر نوع سیاست نظامی‌گری و هرج و مرج طلبی اعلام می‌دارد حفظ امنیت منطقه در پرتو همکاری‌های منطقه‌یی است و هرگونه سهولت بخشیدن به اشغال منطقه، توسط دشمنان اسلام به بهانه‌ی تأمین امنیت و رفع تهدیدات مردود می‌باشد.^(۳۴)

۲. رفع فوریت‌های داخلی: گفته می‌شود راهبرد اتحاد و ائتلاف با نیاز و الزامات داخلی پیوند نزدیکی دارد.^(۳۵) جمهوری اسلامی ایران به منظور اصلاح و تقویت بدنه‌ی اقتصادی و فن‌آوری خویش، هم‌چنین رونق اقتصادی نیاز به مواد اولیه و واسطه‌یی، فن‌آوری، دانش فنی و تولیدات دیگر کشورها دارد. در نتیجه اتحاد و ائتلاف با کشورهای دیگر در چارچوب همکاری‌های اقتصادی، تجاری، صنعتی و علمی را در صدر برنامه‌های خود قرار داده است. براساس چنین الزامی، سران‌اکو در سومین اجلاس خود ضمن تأکید بر همکاری بین کشورهای عضو در تمام بخش‌ها، همکاری در زمینه‌های زیر را ضروری اعلام می‌نمایند:

الف) توسعه‌ی ارتباطات زیربنایی (حمل و نقل و ارتباطات)

ب) تسهیل در امر تجارت و سرمایه‌گذاری

پ) انرژی

ت) اکولوژی و حفظ محیط‌زیست^(۳۶)

۳. وحدت دنیای اسلام: اصولاً جهانی بودن مکتب اسلام و مسؤولیت مسلمانان در قبال هم دیگر ضرورت وحدت را به خوبی روشن می‌سازد. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ مبانی اعتقادی و منافع مسلمانان جهان لازم است، زمینه‌ی وحدت مسلمین را در دنیای اسلام فراهم نماید. به همین خاطر یکی از مهم‌ترین انگیزه‌ها برای گسترش همکاری و روابط با کشورهای اسلامی، دست‌یابی به اتحاد مسلمانان است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی (اصل یازدهم) نیز با استناد به آیه‌ی شریفه: «ان هذه امتکم امه واحده و انار بکم فاعبدون»^(۳۷) اصل وحدت بین مسلمین را به عنوان یک فوریت در سیاست خارجی تصریح نموده، بیان می‌دارد: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه‌ی ائتلاف و اتحاد ملت‌های اسلامی قرار دهد و کوشش دیگر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.^(۳۸)

برای نیل به وحدت میان مسلمین، دولت جمهوری اسلامی تاکنون اقدامات گسترده و نسبتاً مؤثری انجام داده‌است که نمونه‌ی آن را در موضع‌گیری‌های مسؤولین از رهبری نظام تا سایر مقام‌های جمهوری اسلامی، در رابطه با فلسطین، لبنان، افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و سایر جوامع اسلامی می‌توان مشاهده نمود.^(۳۹) هم چنین تلاش جمهوری اسلامی ایران برای تقویت و فعال شدن تشکیلات «دارالتقرب بین المذاهب»، فعالیت در سطح سازمان کنفرانس اسلامی و اقدام در جهت ایجاد و گسترش سازمان اکو را می‌توان نام برد.

۴. تمهد برادرانه نسبت به مسلمانان و دفاع از منافع و حقوق آنان: جمهوری اسلامی ایران به حسب تکلیف شرعی و هم چنین به لحاظ حفظ منافع و موجودیت خود لازم است تا ضمن

احساس وظیفه نسبت به مسلمانان از منافع و حقوق آنان در مجامع بین‌المللی و منطقه‌یی دفاع نماید. زیرا صرف‌نظر از مسایل داخلی دنیای اسلام، تضعیف هر جزء از جامعه‌ی اسلامی و از دست رفتن آن، لطمه‌یی سنگین و جبران‌ناپذیر به سایر اجزای آن می‌باشد. (۴۰)

تعهد نسبت به مسلمانان و دفاع از حقوق آنان، وظیفه‌یی است که قانون اساسی به عهده‌ی نظام گذاشته است و در اصول سوم (بند شانزدهم) و یکصد و پنجاه و دوم مورد تأکید قرار گرفته است. که در حقیقت جزء وظایف جهان وطنی جمهوری اسلامی ایران بوده و در نتیجه، نظام را به سوی همکاری و ائتلاف با ملت‌ها و دولت‌های اسلامی ترغیب می‌نماید.

اقدامات دیپلماتیک ایران برای احقاق حقوق ملت مظلوم فلسطین و حمایت بی‌دریغ رهبری نظام از آنان، جلب افکار عمومی و کمک‌های بین‌المللی برای بوسنی هرزگوین، پناه دادن به بی‌پناهان افغان و حمایت دیپلماتیک از مبارزات آنان، کمک برای حل و فصل چالش در تاجیکستان، اقدام برای حل بحران قره‌باغ، تشکیل دادن به کشورهای اسلامی در قالب کنفرانس اسلامی، نمایانگر توجه خاص جمهوری اسلامی ایران به حقوق مسلمانان در جهان است.

۵. وجود دشمن مشترک: دشمن مشترک ملت‌های اسلامی و مستضعف و ضرورت اقدام دسته‌جمعی علیه آن نیز مهم‌ترین انگیزه برای اتحاد و ائتلاف با دیگر کشورهاست. قدرت‌های استکباری که در صحنه‌ی نظام بین‌الملل منافع دینی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی - ملی مسلمانان و مستضعفان را به مخاطره می‌اندازند، دشمنان مشترکی هستند که برای مقابله با آنها، همکاری و ائتلاف کشورهای مورد تهدید، یک امر حیاتی و مهم است.

حضرت امام با درک واقع‌بینانه از دشمنی‌های قدرت‌های استکباری، اتحاد و اجتماع ملل مستضعف برای مقابله با این خصومت‌ها را مطرح نموده و می‌فرماید: من امیدوارم که یک حزب به اسم حزب مستضعفین در تمام دنیا به وجود بیاید و همه‌ی مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند و مشکلاتی را که بر سر راه مستضعفین است، از میان بردارند و در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب قیام کنند و دیگر اجازه ندهند که مستکبرین بر مستضعفین عالم، ظلم کنند. (۴۱)

۶. نقاط حساس جغرافیایی مشترک: ناپلئون بناپارت اظهار می‌داشت که سیاست خارجی ملت‌ها بر پایه‌ی جغرافیا گذارده می‌شود. (۴۲) امروزه با وجود دست‌یابی بشر به امکانات و تجهیزات ارتباطی و سلاح‌های پیشرفته با برد وسیع، موقعیت جغرافیایی کشورهای یک منطقه، داده‌های سیاست خارجی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

موقعیت حساس و استثنایی منطقه‌ی خلیج فارس و اهمیت آن در مبادلات اقتصادی و تجاری جهان و نقش راهبردی آن در معادلات امنیتی - دفاعی کشورهای قدرت‌مند و رقیب، هم چنین موقعیت خاص آن در تعاملات کشورهای منطقه، خلیج فارس را به صورت یک واحد بزرگ جغرافیایی مشترک برای کشورهای منطقه نموده که ضرورت اقدام گروهی برای حفظ ثبات و امنیت آن و بهره‌وری از منابع اقتصادی و نظامی آن و هم چنین کنترل این منطقه‌ی حساس، امری حیاتی به شمار می‌رود و خود‌انگیزه‌ی است برای رفع اختلاف‌ها و چالش‌های بین کشورهای منطقه و در مقابل، تلاش برای همکاری و وفاق و ائتلاف در چارچوب‌های اقتصادی، امنیتی، دفاعی و سیاسی.

آقای هاشمی رفسنجانی در دیدار با شرکت‌کنندگان در همایش افق‌های همکاری در خلیج فارس و دریای عمان درخصوص موقعیت راهبردی خلیج فارس اظهار می‌دارد: خلیج فارس که تأمین‌کننده‌ی بخش اعظمی از انرژی سوخت دنیا و یک منطقه‌ی راهبردی از نظر جغرافیایی است، نه تنها برای کشورهای منطقه، بلکه برای تمام مردم جهان اهمیت حیاتی دارد. (۴۳) ایشان راهکار حفظ ثبات و امنیت این منطقه را در همکاری و همفکری کشورهای آن جست‌وجو می‌کند.

این مهم در ارتباط با منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز نیز کارآیی دارد. به این معنا که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای حوزه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز این مناطق، به مناطقی مهم، قابل توجه (و البته دارای مشکلات فراوان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) تبدیل شده‌اند که به لحاظ مرز مشترک جغرافیایی با جمهوری اسلامی ایران و وجود یک سلسله مزیت‌ها، امکانات و احتمالاً عوامل بالقوه تهدیدکننده‌ی امنیت ملی ما، در کانون توجه دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی قرار گرفته‌است. (۴۴)

بنابراین، منافع جمهوری اسلامی ایران، به عنوان همسایه‌یی قدرت‌مند و با اشتراکات فرهنگی و عقیدتی بسیار، ایجاب می‌کند که صرف‌نظر از برخی پیش‌بینی‌ها برای آینده‌ی این جمهوری‌ها (این مناطق) وارد منطقه شده و حضوری فعال داشته باشد و برای برقراری مناسبات اقتصادی و سیاسی با کشورهای این منطقه، برنامه‌هایی اصولی و قابل اجرا ارایه دهیم و با استفاده از نیروهای کارآمد، حداکثر استفاده را ببریم. (۴۵)

پ) راهبرد مشارکت فعال: گستردگی حضور در صحنه‌ی بین‌الملل

یکی از مهم‌ترین وظایفی که قانون بر عهده‌ی دستگاه دیپلماسی کشور گذاشته، عبارت است از: فراهم نمودن موجبات شرکت و عضویت ایران در مجامع، سازمان‌ها همایش‌های بین‌المللی. (۴۶)

وجود سازمان‌ها، همایش‌ها، پیمان‌ها و اتحادیه‌های متعدد منطقه‌یی و بین‌المللی و گسترش روزافزون آنها نشانه‌یی از درک ضرورت مشارکت دولت در آنها است. زیرا که وجود مسایل مشترک و لزوم اقدام متحد در قبال آنها ایجاب می‌کند تا این گونه تشکل‌ها ایجاد و گسترش یابد.

براساس یک برداشت، ماهیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی که در عین پابندی نسبت به اصول و آرمان‌ها بر پایه‌ی شناخت واقع‌بینانه از نظام بین‌الملل استوار است، ایجاب می‌کند تا با درک واقعیت‌ها مشارکتی گسترده و فعال در سازمان‌ها، همایش‌ها، پیمان‌ها و اتحادیه‌ها داشته باشد، اما براساس برداشت دیگری به دلیل غیرموثر بودن و غیرکارآمد بودن سازمان‌ها و همایش‌ها و پیمان‌های بین‌المللی باید از حضور و مشارکت در آنها دوری جست، در حالی که در یک تحلیل درست و واقع‌بینانه، این برداشت، غیرمنطقی به نظر می‌رسد. زیرا اولاً عدم حضور و مشارکت در این سازمان‌ها و گردهمایی‌ها خسارات فراوانی به دنبال دارد. ثانیاً جمهوری اسلامی با حضور در این مجامع ضمن جبران خلاء ناشی از وابستگی بسیاری از کشورهای ضعیف به نیروهای استکباری، با بهره‌گیری از تریبون این مجامع می‌تواند اقدام به افشای ماهیت استکبار جهانی، حمایت از حقوق مسلمانان و ملل مستضعف، بیداری ملل

جهان، مبارزه با توسعه‌طلبی‌های ابرقدرت‌ها و دفاع از حقوق حقه خویش، کند. بنابراین، حضور و مشارکت فعال جمهوری اسلامی ایران در صحنه‌های بین‌المللی، سازمان‌ها و پیمان‌ها و همایش‌های رسمی و غیررسمی که از ملت‌های مختلف و به خصوص از نمایندگان و برگزیدگان آنها تشکیل می‌یابد، مهم‌ترین موقعیت و فرصت برای نظام است تا روند مذاکرات، رأی‌گیری‌ها و گفت‌وگوها را (در راستای منافع ملی خود و جهان اسلام و مستضعفین) جهت دهد.^(۴۷)

مشارکت فعال جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی و منطقه‌یی به منظور دستیابی به اهدافی صورت می‌پذیرد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. تفهیم اهداف و اصول سیاست خارجی کشور برای سایر دولت‌ها به منظور تعامل با آنها در امور (و منافع) مشترک.

۲. استفاده از امکانات تخصصی سازمان ملل، به ویژه وجود بخش‌های مختلفی چون حمل و نقل بین‌المللی، صلیب سرخ، سازمان غله و خواروبار، صندوق بین‌الملل پول که تا حدی می‌تواند ظرفیت‌های اقتصادی کشور را تقویت کند.

۳. با توجه به سیاست‌های عام خارجی جمهوری اسلامی که حمایت از مستضعفان و دفاع از حقوق مسلمین را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده‌است، ایران می‌تواند از تریبون این مجامع، به عنوان ابزاری در جهت دفاع از حقوق محرومان استفاده کند.^(۴۸)

۴. حضور جمهوری اسلامی در مجامع و محافل بین‌المللی، باعث می‌شود که پاسخ مطالبی را که در رابطه با جمهوری اسلامی گفته شده، ازایه گردد و اصولاً نفس حضور، موجب رفع بسیاری از اتهام‌ها و شایعه‌ها و جلوگیری از تبلیغات مسموم می‌شود.^(۴۹)

۵. به دست آوردن آخرین اطلاعات و تحولات و اشراف بر اوضاع و احوال بحران‌ها و تنازعات منطقه‌یی و بین‌المللی نیز یکی از اهداف قابل توجه است.

وزیر امور خارجه‌ی پیشین جمهوری اسلامی ایران (آقای ولایتی) در تشریح سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یکی از راهبردها برای نیل به اهداف سیاست خارجی را حضور فعال و گسترده در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌یی و برقراری ارتباط میان

سازمان‌های تخصصی بین‌المللی و ارگان‌ها و نهادهای ذی‌ربط داخلی معرفی می‌کند و اعلام می‌دارد: «جمهوری اسلامی از همان آغاز با وجود این که می‌گفتند سیاست انزوا را در پیش گرفته است، در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌یی حضور فعال داشته است» ایشان در ادامه به برخی فعالیت‌های ناشی از حضور فعالانه در مجامع بین‌المللی اشاره می‌کند که عبارتند از:

۱. تلاش برای تدوین اعلامیه‌ی اسلامی حقوق بشر
۲. ایفای نقش فعال در همایش‌های حقوق بشر
۳. طرح مسأله‌ی سلمان رشدی در مجامع و گردهمایی‌های اسلامی و صدور قطعنامه در راستای محکومیت و ارتدادوی
۴. جلب حمایت بین‌المللی پس از وقوع وقایع طبیعی مثل زلزله و سیل و غیره
۵. عضویت در کمیته‌ها، کمیسیون‌ها و ارگان‌های گوناگون بین‌المللی
۶. تشکیل همایش‌ها و اجلاس‌های مختلف در ایران
۷. سفر مقام‌ها و مسؤولین بین‌المللی به ایران
۸. تشکیل هشتمین نشست سران سازمان کنفرانس اسلامی در تهران
۹. تلاش در راستای صلح و امنیت بین‌المللی و خلع سلاح.^(۵۰)

نتیجه‌گیری: ارزیابی کلی

اگر راهبرد انزوآطلبی به معنای این است که مراودات دیپلماتیک، اقتصادی، فرهنگی و نظامی یک کشور با سایر واحدهای سیاسی به حداقل کاهش یابد.^(۵۱) با توجه به این که جمهوری اسلامی ایران و رهبری آن، ارتباط با دیگر ملت-کشورها را از ضروریات و نیازهای مهم و رمز بقای جامعه می‌دانند، نه تنها مراودات جمهوری اسلامی کم نشده بلکه همان طور که ذکر شد به طور چشمگیری گسترش یافته است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران راهبرد نه شرقی و نه غربی را نه به عنوان روشی برای انزوآطلبی بلکه راه حلی برای قطع وابستگی و حفظ استقلال خود پیش گرفته است. پس ایران هرگز کشوری انزوآطلب نمی‌باشد.

جمهوری اسلامی ایران در عین اعتقاد به ضرورت گسترش رابطه با دیگر بازیگران،

همواره به اصول اساسی خود پایبند بوده و اعتلای جامعه را در صدر برنامه‌های دیپلماتیک خود قرار داده و برای حفظ اقتدار ملی، استقلال و هویت دینی و منافع ملی، خطوط کلی زیر را دنبال کرده‌است:

۱. نفی انزواطلبی و محدود شدن در داخل مرزها و در مقابل اتحاد و همکاری با کشورها و مشارکت فعال در سازمان‌ها و همایش‌های بین‌المللی و منطقه‌یی.
۲. ایجاد زمینه‌های مناسب برای ارتباط با ملت‌ها، زیرا امروزه ثابت شده‌است که ارتباط با دولت‌ها بدون ارتباط با ملت‌ها کارساز نخواهد بود.
۳. تبدیل دشمنی‌ها به دوستی‌ها و تلاش در جهت تألیف قلوب ملت‌ها.
۴. به وجود آوردن زمینه‌ی مناسب به منظور آرایه‌ی الگوی مکتبی به ملت‌ها.
۵. گسترش همکاری‌های دو یا چند جانبه، منطقه‌یی، بین منطقه‌یی و بین‌المللی با سایر دولت‌ها.

کتاب شناسی

۱. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی ایران، ۱۱ شهریور ۱۳۶۰، ص ۲.
۲. سیف زاده حسین، مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۵)، ص ۱۰۵.
۳. بخشایشی اردستانی احمد، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (تهران: آوای نور، ۱۳۷۵)، ص ۱۱۶.
۴. منصوری جواد، نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵)، ص ۴۳.
۵. محمدی منوچهر، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶)، ص ۴۶.
۶. همان، ص ص ۴۷-۵۹.
۷. برای مطالعه نگاه کنید به: ایزدی بیژن، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (تهران: دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۱)، ص ص ۱۰۱-۸۳.
۸. منصوری جواد، همان، ص ۴۴.
۹. سوره‌ی نساء آیه‌ی ۱۴۱.
۱۰. ضیایی بیگدلی محمدرضا، اسلام و حقوق بین‌الملل (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۵)، ص ۵۱.

۱۱. قرآن کریم، ترجمه‌ی حاج شیخ مهدی الهی قمشهی (تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲)، صص ۴۳-۴۲۹.
۱۲. امام خمینی، صحیفه‌ی نور، ج ۲۵ (تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹)، ۲۲۴.
۱۳. امام خمینی، صحیفه‌ی نور، ج ۴، ص ۳.
۱۴. منصوروی جواد، همان، صص ۴۷-۴۳.
۱۵. امام خمینی، صحیفه‌ی نور، ج ۱۰، ص ۳۵۲.
۱۶. ایزدی بیژن، همان، ص ۱۰۸.
۱۷. وزارت امور خارجه، سیاست‌گذاران و رجال سیاسی در روابط خارجی ایران (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹)، ص ۱۵۳.
۱۸. همان، ص ۱۵۴.
۱۹. روزنامه‌ی کیهان مورخ ۵ مرداد ۱۳۷۱ (مصاحبه با آقای ولایتی وزیر خارجه‌ی پیشین).
۲۰. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: علی‌بابایی غلامرضا، تاریخ سیاست خارجی ایران از شاهنشاهی هخامنشی تا به امروز (تهران، ۱۳۷۵)، صص ۵۶۳-۵۶۲.
۲۱. هالستی کی.جی.، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه‌ی بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳)، صص ۱۹۷-۱۶۳.
۲۲. قوام عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل (تهران: سمت، ۱۳۷۰).
۲۳. ایزدی بیژن، همان، ص ۱۴۸.
۲۴. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: مدنی جلال‌الدین، غیرمتعهدها از باندونگ تا هاوانا (تهران: بی‌نا، ۱۳۵۸) در این کتاب تحولات مربوط به جامعه‌ی غیرمتعهدها و سیاست خارجی ایران پس از انقلاب با تفصیل شرح داده شده‌است.
۲۵. مواضع جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی، مجله‌ی سیاست خارجی، سال دهم، شماره‌ی ۱، بهار ۱۳۷۵ صص ۲۶۹-۲۶۸.
۲۶. مواضع جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی، مجله‌ی سیاست خارجی، سال هفتم، شماره‌ی ۱، بهار ۱۳۷۲.
۲۷. قوام عبدالعلی، همان، ص ۱۶۳.
۲۸. بخشایشی اردستانی احمد، همان، صص ۱۱۷-۱۱۶.
۲۹. همان، ص ۱۸۸.

۳۰. صدر محمد، «امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهدیدات و استراتژی مقابله در زمینه سیاست خارجی، مجله‌ی سیاست خارجی، سال نهم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۴، صص ۸۲-۷۳.
۳۱. مواضع جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی، مجله‌ی سیاست خارجی، شماره ۱، سال نهم، بهار ۱۳۷۴، صص ۲۹۲.
۳۲. علی بابایی غلامرضا، همان، صص ۵۵۹.
۳۳. مواضع جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی، همان، صص ۲۷۴-۲۷۱.
۳۴. همان، صص ۲۷۱.
۳۵. هالستی کی. جی.، همان، صص ۱۸۱.
۳۶. علی بابایی غلامرضا، همان، صص ۳۶۲-۳۶۱.
۳۷. سوره‌ی انبیاء، آیه ۹۲.
۳۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (قزوین: طه، ۱۳۶۹)، صص ۴۱.
۳۹. منصوری جواد، همان، صص ۵۷.
۴۰. همان، صص ۱۱۵.
۴۱. امام خمینی، صحیفه‌ی نور، ج ۸، صص ۲۵۰.
۴۲. محمدی منوچهر، همان، صص ۱۱۰.
۴۳. مواضع جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی، همان، صص ۲۷۲.
۴۴. برای آگاهی نگاه کنید به: تقی عامری ناصر، استراتژی و تحولات ژئوپولیتیکی پس از دوران جنگ سرد (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳)، صص ۱۸۹-۱۷۷.
۴۵. پوراصغری خمایی سکینه، «نظری اجمالی بر اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز» فصلنامه‌ی خاورمیانه: سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۳، صص ۱۱۲.
۴۶. مدنی جلال‌الدین، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، ج ۵ (تهران: سروش، ۱۳۶۹)، صص ۲۷۶.
۴۷. محمدی منوچهر، همان، صص ۷۱، هم چنین نگاه کنید به: منصور جواد همان، صص ۲۱۴-۲۰۷.
۴۸. بخشایشی اردستانی احمد، همان، صص ۱۰۸.
۴۹. منصور جواد، همان، صص ۲۱۰.
۵۰. برنامه‌ی ارایه‌شده از سوی وزیر خارجه‌ی وقت، آقای ولایتی در دوره‌ی دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی.
۵۱. قوام عبدالعلی، همان، صص ۱۵۶.